

فهرست

۷۲
۰۰۱
۶۰۱
۶۰۱
۸۰۱
۱۱۱
۷۱۱
۶۱۱
۱۶۱
۷	سرنوشت.....
۱۳	سایه‌ها.....
۱۶	تا جایی که می‌شود به یاد آورد.....
۲۰	هم‌نام من.....
۲۴	بی‌پاسخ.....
۲۸	پس از ضیافت دریایی.....
۳۲	این ابر.....
۳۶	گناه پروانه‌ها.....
۴۱	پشت درهای بسته.....
۴۶	باید شب باشد.....
۵۰	سرخوشی.....
۵۴	دیدار با گل‌های داوودی.....
۵۹	روزی که این اتفاق می‌افتد.....
۶۴	بغض جعبه‌ی سرخ.....
۶۹	این خانه.....
۷۳	در آینه‌ی چای.....
۷۷	سایه‌ها.....
۸۱	رفته بودم تا بیدارش کنم.....
۸۵	در ابتدای خطِ ترس.....
۸۸	قلب هیولا.....
۹۱	از پنجره‌ی زیرزمین.....
۹۴	فقط دویده بودیم.....

بشاید این سخن

آن که کنار اوست نشاید بهار بهار درختش روایت را

... نشاید بهار بهار درختش روایت را

سرنوشت

با در بافه موی طلایی...

ریشه رملی در دهنه رملی آید

سازد بهار بهار درختش روایت را

شانزده نفر

در عکسِ قاب شده

نشسته، ایستاده

نشاید بهار بهار درختش روایت را

چشم به دورین دوخته اند...

آن سخن به چو



آن روز ماه اردیبهشت سال نوجوانی

می دانستند چه بر سرشان خواهد آمد و حالچه رخ چو بی

بر سر آرزوهایشان؟... مثابه یک بیمار بزرگ علیل و لمانه

و عاشق بیچاره و دلجو در حال رخ در ناله

به زمین عشقی نایب کام...

نشاید بهار بهار درختش روایت را

نمی دانستند:

... نشاید بهار بهار درختش روایت را

ردیف اول نفر اول از راست

آن که کنار اوست به با کسی نواده بر شانزده نفر